

تفاوت منافع ایران و ترکیه در سوریه

گفتاری از دکتر بهرام امیراحمدیان، کارشناس مسائل قفقاز برای دیپلماسی ایرانی

well/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران/سرویس ترکیه

نخست وزیر ترکیه در آخرین مواضع اش پس از بازگشت از نیویورک ایران را تنها عامل کمک کننده به بقای نظام بشار اسد در سوریه دانسته است. به نوشته روزنامه ملیت ترکیه، "رجب طیب اردوغان" پس از بازگشت به ترکیه در جمع خبرنگاران گفته که کلید سوریه دست ایران بوده و تهران تنها عامل کمک کننده به بقای نظام اسد است. این اظهارات نشان می دهد که ایران و ترکیه در مورد سوریه دیدگاههای متفاوتی دارند.

ایران سوریه را متحد خود می داند و تمایلی ندارد که حکومت این کشور دچار مشکل شود و تغییر کند. ایران نگران است که با تغییر حکومت در سوریه کسانی بر سر کار بیایند که به ایران نزدیک نباشند. ایران منافع اقتصادی چندانی در سوریه ندارد. ایران به عنوان این که پایگاهی در آن منطقه و در همسایگی بلافصل اسرائیل داشته باشد، به سوریه اهمیت می دهد.

از طرف دیگر ترکیه دارای نگاه متفاوتی است. نگاه ترکیه استراتژیک، اقتصادی و نظامی است. ترکیه و سوریه منافع اقتصادی مشترک بسیاری دارند. همچنین سیاست ترکیه در قبال تحولات کنونی سوریه که در ادامه جنبش معروف به "بهار عرب"، شکل گرفت متفاوت است. ترکیه تلاش کرد که دولت سوریه را به اصلاحات ترغیب کند و وقتی از این کار ناامید شد در حال حاضر به دنبال تغییر حکومت در سوریه است. ترکیه معتقد است که حکومت سوریه به دلیل خشونت های ماههای اخیر که از نظر این کشور جنایت علیه بشریت محسوب می شود باید از قدرت کناره گیری کند. این خواسته ای است که اروپا هم دارد.

مسئله ای که نباید مورد غفلت قرار بگیرد و از اهمیت برخوردار است این است که سوریه در همسایگی ترکیه قرار دارد و منافع ملی ترکیه در ارتباط با سوریه با منافع در سوریه متفاوت است. چرا که هر تنش و بحرانی در سوریه بر ترکیه تاثیر گذار است. هر حکومتی که در سوریه روی کار بیاید در ترکیه تاثیر مستقیم دارد چرا که همسایه بلافصل این کشور است.

اگر ملی گرایان افراطی در سوریه روی کار بیایند نسبت به ترکیه ادعای مرزی در مورد منطقه انطاکیه خواهند داشت. مسئله دیگر به سهم آبی ترکیه از رود فرات مربوط می شود. این مسئله بسیار اساسی است و موجب نگرانی ترکیه می شود. به نظر می رسد این نگرانی چندانی بی جهت هم نباشد در حالی که ایران اگرچه سوریه را متحد خود می داند ولی این کشور در همسایگی ایران نیست و این مسئله تفاوت منافع را ایجاد می کند.

علاوه بر این اگر در سوریه حکومت های افراطی روی کار بیایند ممکن است به فعال شدن مجدد کردهای سوریه منجر شود. در این شرایط تنش بین پ ک ک ترکیه افزایش خواهد یافت. با توجه به این مسائل به نظر می رسد طبیعی است که ترکیه نگاه متفاوتی نسبت به ایران در مقابل سوریه دارد و نمی توان به ترکیه گفت که همانند ما عمل کند. چرا که کشورها منافع ملی متفاوتی دارند و ترکیه منافع ملی خود را تعریف و دنبال می کند.

به هر حال به نظر می رسد ترکیه با تغییر دیدگاه خود نسبت به تحولات سوریه بیشتر توانسته است خود را با تغییرات منطقه همراه کند و بر موج جنبش های منطقه سوار شود در حالی که ایران با حمایت همه جانبه از سوریه تا حدی راه اشتباهی را در پیش گرفت است. چرا که در سیاست خارجی باید ملت ها هم در نظر گرفته باشند. اگر اکثریت مردم سوریه خواهان این حکومت نیستند و خواهان اصلاحات هستند باید به حرف آنها توجه شود. وقتی این دولت تن به اصلاحات نمی دهد و به روی ملت خود آتش باز می کند راه را برای تداوم حکومت خود می بندد. وقتی دولت سوریه با استفاده از تانک یعنی با ارتش، خود را در مقابل مردم قرار می دهد نمی توان انتظار داشت که مردم این کشور چندان به بقای این حکومت رضایت بدهند. به هر حال این نیروهای پلیس نیستند که در سرکوب مردم دخالت می کنند. بلکه این نیروی ارتش است که در خیابانها با مردم برخورد می کند. وقتی دولتی برای مقابله با مردم خود تانک به خیابان ها می آورد یعنی آن دولت متجاوز به حقوق مردم خودش است. نیروهای نظامی و ارتش برای محافظت از مرزهاست و در داخل نیروی انتظامی و پلیس و وزارت کشور باید در حفظ نظم دخالت کنند. از این منظر ورود تانک ها به خیابانهای سوریه و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم چیزی است که در حقوق بین الملل امروز محکوم است و شرایط را برای حکومت سوریه سخت تر می کند.

بنابراین با توجه به این تحولات و نوع رفتار حکومت سوریه ما باید دیدگاه خود را در ارتباط با سوریه تغییری دهیم. ما باید به این نکته توجه کنیم که اگر حکومت سوریه ساقط شود که احتمال آن وجود دارد، دولتی که در آینده در این کشور بر سر کار می آید حتما نگاه رادیکالی به ما خواهد داشت. بنابراین روابط کنونی ما با این کشور و منطقه کاملا از بین خواهد رفت. چرا که آنها استدلال می کنند که ایران از سرکوب مردم سوریه حمایت کرده است. به نظر من ایران می توانست موضع بی طرفی را اتخاذ کند. یعنی این بحران کنونی را یک مسئله داخلی ملت با دولتش بدانیم و اعلام کنیم که به ماریطی ندارد ولی این که ما بخواهیم حکومت سوریه را توجیه کنیم درست نیست.

مسئله این است که این اعتراضات به یک روز و دو روز مربوط نمی شود و چند ماه است که در این کشور اعتراضات ادامه داشته است و توفقی ندارد. علاوه بر این شورای انتقالی در حال تشکیل است و این نشان می دهد که تحول شدیدی در سوریه در حال وقوع است. از این منظر لازم است در نگاه دیپلماسی ما به سوریه تجدید نظر شود و به خواست مردم احترام گذاشته شود.

این که ما اخبار تحولات سوریه را در داخل منعکس نمی کنیم و از طرف دیگر به پوشش وقایع در لیبی می پردازیم می تواند موضع گیری دوگانه ای از ما به نمایش بگذارد. ما در حالی اعتراضات در سوریه را نادیده می گیریم که از انقلابیون در لیبی به شدت حمایت می کنیم و حتی آنها را به کشورمان دعوت می کنیم. این موضوع نگاه دوگانه ای را بازتاب خواهد داد که سبب تغییر دیدگاههای کشورها نسبت به ما خواهد شد و خصوصا در روابط ما با ترکیه به شدت تاثیر خواهد گذاشت.

پایان پیام.